



پاکستان از آمریکا چه می‌خواهد

اگر رهبران کشورهای جهان و نخبگان آنها در آینه نگاهی به خود می‌انداختند تا ببینند دیگران آنها را چگونه می‌بینند، اوضاع دیگری بر دنیا حاکم می‌شد.

60 سال افت‌وخیز رابطه اسلام‌آباد با واشنگتن پاکستان از آمریکا چه می‌خواهد

اگر رهبران کشورهای جهان و نخبگان آنها در آینه نگاهی به خود می‌انداختند تا ببینند دیگران آنها را چگونه می‌بینند، اوضاع دیگری بر دنیا حاکم می‌شد.

رابطه آمریکا و پاکستان همواره فرازونشیب‌های بسیاری داشته و بیشتر شبیه قایم‌باشک بازی بوده اما از سال گذشته تنش بین این دو کشور بالا گرفته و اختلاف نظرهایشان به مخاطره‌جویی منجر شده است. سؤالی که این روزها در واشنگتن مطرح می‌شود این است که خواسته اصلی اسلام‌آباد چیست؟ بسیاری از تحلیل‌گران آمریکایی این روزها این سؤال را مطرح می‌کنند که واقعا خواسته پاکستان چیست؟

پایان دادن به استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین و حملات آمریکا به خاک پاکستان یا اجازه دادن به پاکستانی‌ها برای دستیابی بیشتر به اطلاعات، پاسخ این سؤال نیست. خواسته آنها همان است که رهبران پاکستان از دهه 50 انتظارش را داشته‌اند: اینکه آمریکا از منشور پاکستان به جنوب آسیا بنگرد، نیاز به برقراری موازنه قدرت میان هند و پاکستان در منطقه را تشخیص دهد، متوجه شود افغانستان برای منافع امنیتی پاکستان چه اندازه بااهمیت است و درک کند چرا پاکستان باید برای منافع امنیتی‌اش از ابزارهای نامتقارن (asymmetrical means) استفاده کند.

علاوه بر همه اینها، میل و امید پاکستان آن است که آمریکا با استفاده از نفوذی که روی هند دارد، به بحران کشمیر و سایر مناطقی که دو کشور بر سر مالکیت آن نزاع دارند پایان دهد.

در فاصله دهه‌های 50 تا 80 رابطه پاکستان با آمریکا عاری از تنش و اختلاف نظر بود. راهبردهای آمریکا، ارتش پاکستان را نیروی انسانی خود می‌دانست و موقعیت جغرافیایی پاکستان مکانی مهم برای افزایش قدرت آمریکا در مقابله با شوروی بود. سیاستگذاران پاکستانی همواره کشورشان را عنصری مهم در سیاست‌های آمریکا نشان می‌دادند و مقامات آمریکایی نیز به چنین باوری رسیده بودند.

هند همراه سایر کشورهای جنوب آسیا عضو PACOM (پکام) (pacific command)؛ فرماندهی اقیانوس آرام است در حالی که پاکستان در کنار کشورهای خاورمیانه بخشی از CENTCOM (سنتکام) (central command)؛ فرماندهی مرکزی است. همین موجب شده آمریکایی‌ها پاکستان را بخشی از خاورمیانه‌ای در نظر بگیرند که اهمیت آن از جنوب آسیا بیشتر است. مقامات اسلام‌آباد نیز از این فرصت بهره برده و هویتی مستقل از هند و سایر کشورهای جنوب آسیا برای خود تعریف کرده‌اند، از این رو آنها نیز عضوی مسلمان از خاورمیانه در نظر گرفته شده‌اند.

نکته قابل تامل اینکه هرزمان آمریکا قصد داشته تضمین کند روابط نزدیک او با پاکستان هیچ تاثیری در رابطه‌اش با هند ندارد، مناقشات میان هند و پاکستان بر سر مالکیت جغرافیایی مناطقی مانند کشمیر از سر گرفته شده است. آیزنهاور، رئیس‌جمهور وقت آمریکا تلاش کرد در رابطه میان دو کشور تعادل برقرار کند. او حتی به جواهر لعل نهرو، اولین نخست وزیر هند نامه نوشت تا به او تضمین دهد کمک‌های نظامی آمریکا به پاکستان علیه هند استفاده نخواهد شد.

در طول جنگ هند و چین در سال 1962 کندی به هندی‌ها پیشنهاد کمک نظامی داد. به همین خاطر ژنرال محمد ایوب‌خان نخستین حاکم نظامی پاکستان و رئیس ارتش این کشور از آمریکا خواست برای برقراری تعادل به آنها از نظر اقتصادی کمک کند تا مشکل کشمیر حل شود. کندی در توضیح دلیل خودداری‌اش از کمک به پاکستان گفت جلوگیری از سقوط هند به سود همه است اما نگفت تنها در مواردی که برای آمریکا حیاتی است از نهرو حمایت می‌کند.

از سال 1965 که آمریکا تصمیم گرفت کمک به هر دو کشور را متوقف کند، روابطش با پاکستان تیره شد. مقامات واشنگتن و اسلام‌آباد بر سر جنگ 1965 و قطع کمک‌های آمریکا اختلاف نظر داشتند. پاکستانی‌ها معتقد بودند طبق توافق دوجانبه‌ای که سال 1959 میان

آنها صورت گرفته بود، آمریکا موظف است به پاکستان کمک کند زیرا مورد تهاجم آشکار هندی‌ها قرار گرفته اما از نظر سیاستگذاران آمریکایی، پاکستانی‌ها انتظار چیزی را داشتند که آمریکا هرگز وعده نداده بود.

از نظر پاکستان، دهه 80 بهترین فرصت برای شکل‌گیری روابط دوستانه با آمریکا بود، زیرا کمک اسلام‌گراهای پاکستان به همتایان خود در افغانستان برای مقابله با شوروی، آمریکایی‌ها را نیز به اهدافشان نزدیک‌تر می‌کرد. آنها مایل بودند جنگ به پاکستان کشیده شود تا بومی‌ها با یکدیگر بجنگند. به علاوه، ثبات یا آینده افغانستان و هند هیچ منفعتی برای آمریکا نداشت.

آنچه استراتژیست‌ها و نخبگان پاکستان ندیده می‌گیرند این است که امروز دیگر اوضاع فرق کرده. طی 2 دهه اخیر روابط میان هند و آمریکا بسیار عمیق‌تر شده است. روابط اقتصادی و راهبردی آنها که بر اساس ایده‌آل‌های مشترکشان در زمینه دموکراسی، سکولاریسم و پلورالیسم شکل گرفته، رشد کرده است.

حالا دیگر آمریکا در ثبات و آینده هند سهم دارد و منافعتش از این راه تامین می‌شود. حضور نظامیان آمریکایی در افغانستان و سهم واشنگتن در آینده این کشور از دیگر دلایلی است که نمی‌گذارد دهه 80 یک‌بار دیگر تکرار شود.

آمریکا تاکنون بسیار تلاش کرده پاکستان را ترغیب کند به هند به چشم دشمن یا تهدید نگاه نکند اما هرگز به نتیجه‌ای نرسیده است زیرا پاکستانی‌ها می‌گویند آمریکا نمی‌تواند پیمان‌شکنی‌های هند را ببیند و اگر اتفاقی بیفتد دورتر از آن است که بتواند به کمک پاکستان بیاید. بنابراین آمریکا ناچار است نیروهای نظامی پاکستان را طوری تقویت کند که بتوانند در مقابل تهاجم هندی‌ها از خود دفاع کنند.

سال 1959 ژنرال ایوب‌خان بر این عقیده بود وقتی آنها سرگرم بخش دیگری از کشور هستند هیچ تضمینی وجود ندارد که هندی‌ها با قوای نظامی 3 برابر قوی‌تر به آنها حمله نکنند و وارد سرزمین‌شان نشوند. چند دهه بعد یعنی در سال 2008 زمانی که آمریکا از پاکستان خواست قوای نظامی‌اش را از مرزهای شرقی به مرزهای غربی جا به جا کند، پاسخ‌شان همان حرف‌های ژنرال ایوب خان بود.

به هر حال رابطه پاکستان و هند بر اساس جغرافیا، تاریخ و فرهنگ مشترک شکل گرفته و منافع هر دو کشور در این است که روابط خود را بهبود بخشند. این کار هرچند دشوار است اما با تغییر نگرش‌ها می‌توان به پتانسیل‌های واقعی این رابطه دست یافت.